

نقش و اهمیت تطورات زبانی در شرح متون ادبی

کیومرث زرافشان

دانشجوی دکتری دانشگاه رازی کرمانشاه

چکیده

شرح متون ادبی و به طور کلی موضوع متن پژوهیادبی نیازمند اطلاعات جامع و احاطه بر بسیاری از جنبه‌های زبان است. هدف این پژوهش بررسی نقش و اهمیت تطورات و تحولات زبانی در شرح و بررسی متون ادبی است. در این پژوهش که به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده است، به تحولات زبانی و نقش آنها در شرح متون ادبی با توجه به نظریه‌های معنا شناسی پرداخته شده است. در ادامه هر بخش نمونه‌هایی به عنوان شاهد مثال هم از متون تاریخی و هم از متون معاصر در راستای روشن شدن اهمیت موضوعات فوق ذکر گردیده است. همچنین تا آنجا که مقدور بوده و در حوصله یک مقاله گنجد است از نظرات و دیدگاه‌های اساتید استفاده شده است. نتیجه این پژوهش مشخص می‌کند که آگاهی و شناخت تحولات و تطورات زبانی نقش مهم و پر رنگی در شرح متون به ویژه متون کهن ادبی دارند. به طوری که بدون تسلط بر این موضوع نمی‌توان به شرح موفقی دست یافت.

کلید واژه‌ها: گونه‌های زبانی، تحول زبانی، متون ادبی، متن پژوهی، شرح متون ادبی.

مقدمه

زبان هر ملتی ضمن انتقال مایه های فرهنگی آن ملت، آینه ای است که همزمان سیر تحولات تاریخی- اجتماعی آن مردمان و رشد و تعالی آنان را در حوزه های مختلف معرفتی در خود بازتاب می‌دهد. زبان فارسی نیز از این قاعده مستثنی نیست. دیرپایی زبان فارسی از خلال تلاطمات تاریخی و اجتماعی سه هزار ساله - که گذرانده است - حکایت از توانایی آن و قدرت انطباق پذیری‌اش با شرایط و تحولات اجتماعی و زیستی جدید دارد.

از ازمینه کهن تا کنون تحولات و تطورات بسیاری در زبان فارسی ایجاد گشته است در این میان متون ادبی بسیاری از آن زمان‌ها به جای مانده است که نیاز به شرح و تصحیح دارد. برای شرح یک متن کهن ادبی نکات بسیاری باید رعایت شود تا بتوان به یک شرح موفق دست یافت. یکی از آن نکات موضوع تطورات زبانی و نقش آن در شرح متون است.

مسئله ای که دلیل نگارش این پژوهش بوده است این است که در برنامه درسی رشته زبان و ادبیات فارسی دوره کارشناسی ارشد، درسی با عنوان مطالعات زبانی در متن ادبی وجود دارد که یکی از سرفصل های آموزشی آن بررسی نقش گونه‌ها و تحولات زبانی در شرح متون ادبی با بررسی نمونه‌هاست. اما هیچ تألیف مستقلی به عنوان منبع یا راهنمای کاربردی برای این درس وجود ندارد و یا نگارنده مشاهده نکرده است. لذا در این پژوهش تلاش شده است تا با تشریح مسئله تطورات زبانی به زبان ساده و نقش و اهمیت آن در شرح متون کهن ادبی با استفاده از نمونه‌ها یک راهنمایی کاربردی در دسترس علاقه‌مندان قرار گیرد.

چشم پوشی از مسئله تحولات زبانی در شرح متون موجب بروز اشتباه خواهد شد لذا اهمیت این پژوهش از آن رو است که با طرح اجمالی مسائل بنیادین و چهارچوب‌های کلی شرح، به توضیح مبسوط و ارائه نمونه‌هایی از تحولات و تطورات زبانی می‌پردازد. که یکی از فاکتورهای اجتناب ناپذیر در شرح متون است. نمونه‌ها می‌تواند راهگشای علاقه‌مندان به موضوع متن پژوهی باشد. زیرا آگاهی از تحولات زبانی یک زبان و شناخت ضعف‌ها و توانش‌های آن از اضمحلال آن زبان و فرهنگی که حامل آن است جلوگیری می‌نماید.

اکنون که مسئله تطورات و تحولات زبانی به عنوان یکی از نکات اجتناب ناپذیر در شرح متون کهن ادبی بررسی شد می‌خواهیم بدانیم و به این سوال پاسخ دهیم که نقش و میزان اهمیت آن در شرح متون کهن ادبی چگونه است؟

پیشینه پژوهش

همانطور که در مقدمه یاد شد تا کنون آثار متعدد، جامع و مبسوطی در حوزه شرح متون ادبی- در مقایسه با سایر مباحث ادبی-تألیف نگاشته است. با اینحال چند مقاله و کتاب در این باب به چاپ رسیده است. که در زیر به آنها اشاره می‌شود.

همتیان و مشاوری (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با نام «مبانی شرح نویسی بر متون ادبی» نکاتی مهم اما کلی را در شرح نویسی توضیح داده‌اند. مبانی شرح نویسی مقدمات و ملزومات ضروری آن از جمله مسائلی است که در این مقاله بررسی شده است. اما به جزئیات از جمله مسئله تطورات زبانی اشاره‌ای نشده است.

محمدی (۱۳۹۸) نیز در مقاله‌ای با نام «طراحی برای ساماندهی روش شرح نویسی بر مثنوی» تلاش کرده است به طراحی الگویی مبتنی بر شیوه آماری «نمونه گیری طبقه بندی» در شرح مثنوی بپردازد. وی معتقد است به کمک این الگو می‌توان متناسب با نیاز مخاطبان شرحی روشمند نوشت.

علوی مقدم (۱۳۸۹) در مقاله خود با نام «آسیب شناسی ساختار شرح نویسی در حوزه فهم متن ادبی (با نگاهی انتقادی به شرح‌های حافظ)» به اشکالات چهارگانه ساختاری، درون مایه‌ای، واژگانی و صوری اشاره و از آن میان به شرح نابسامانی‌ها و نادرستی‌های ساختاری پرداخته است. قبول و رادمرد (۱۳۹۸) اصول و مبانی شرح تطبیقی (با تکیه بر شرح مثنوی شریف) را بر اساس دو فاکتور ۱ - شارح و متن ادبی و ۲ - مخاطب در قالب مقاله‌ای توضیح داده و به بررسی دریافت و تبیین میزان تأثیرگذاری متن مبدأ بر متن مقصد پرداخته‌اند.

میرمجرریان (۱۴۰۱) سه شرح (حسن وحید دستگردی، بهروز ثروتیان و برات زنجانی) از شروح لیلی و مجنون نظامی را گزینش و بر اساس روش تحلیل گفتمان در بوته نقد قرار داده است.

روش پژوهش

بطور کلی روش‌های گردآوری اطلاعات به دو دسته روش‌های کتابخانه‌ای و میدانی تقسیم می‌شوند. در روش کتابخانه‌ای طی فرایندی منظم و گام‌به‌گام برای جمع‌آوری اطلاعات از منابع موجود مانند کتاب‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌ها، گزارش‌ها و منابع آنلاین استفاده می‌شود. یکی از مراحل مهم در این روش تعریف سوال یا مسئله پژوهش است. پس از آن محقق به جستجوی جواب‌های احتمالی سؤال یا مسئله خود در منابع فوق می‌پردازد. سپس پژوهشگر به ارزیابی نظرات و جواب‌ها می‌پردازد و در نهایت به بیان نظر و نکته مورد نظر خود با استناد به آن جواب‌ها پرداخته و نتیجه‌ای را از آن حاصل می‌کند. این روند در این مقاله نیز رعایت شده است.

تعریف شرح

برای درک بهتر موضوع شرح متن می‌توان خطی فرضی را تصور کرد که یک سر آن متن (معمولاً کهن) و سر دیگر آن خواننده امروزی قرار دارد اما این خط فرضی از متن مستقیم به خواننده نمی‌رسد زیرا در طول زمان تغییراتی (دستوری، واژگانی و ...) در زبان روی می‌دهد که خواننده عادی را در مطالعه متن با مشکل مواجه می‌کند. بنابراین معمولاً بین دو سر آن خط فرضی واسطه‌ای که شارح باشد قرار می‌گیرد. شارح شخص خبره ایست که به تغییرات در زمانی و همزمانی زبان آگاه است و سیر تحولات و تطورات آن را از نظر گذرانده است.

اما در لغت نامه دهخدا در معانی شرح اینگونه آمده است: «گوشت را به قطعات بلند بریدن (از اقرب الموارد)... چیزی را وسعت دادن (از اقرب الموارد)... واضح و آشکار کردن و مسئله مشکل را بیان کردن و این مجازی است...» (دهخدا، ۱۳۴۵، ج ۹: ۱۴۲۱۱) بنابر تعریف فوق می‌توان گفت که «شرح در اصطلاح به آنچه در توضیح سخن پوشیده‌ای و نیز به کتابی که بدین گونه در توضیح مطالب کتابی دیگر نوشته شده باشد و آن را نزدیک به فهم کند، گویند». (مصاحب، ۱۳۷۴: ۱۴۶۳) از اینجا معلوم می‌شود که شرح روند تسهیل و تفهیم بین متن و خواننده است به طوری که لایه‌های ساختاری و محتوایی متن برای خواننده قابل فهم باشد. در ساده‌ترین تعریف می‌توان گفت شرح «ارائه معنای واژه‌ها و تبیین دشواری‌های زبانی متن ادبی و بازنویسی آن به نثر روان امروزی است». (قبول و رادمرد، ۱۳۹۸: ۱۸۴-۲۰۶)

انواع شرح

هدف کلی از شرح تسهیل دریافت پیام متن برای مخاطب است اما شارحان متن‌های مختلف را از منظرهای مختلف به انجام می‌رسانند. بنابراین با توجه به هدف شارح، یک متن می‌تواند از چند منظر مورد بررسی قرار گیرد. گاه هدف شارح از یک متن درک لایه‌های عمیق متن و تحلیل آن است که به آن شرح تأویلی می‌گویند. گاه شارح تنها به توضیح الفاظ و عبارات می‌پردازد و به معانی عمیق متن توجه نمی‌شود این روش به شرح گره‌گشایی معروف است. روش دیگر شرح روش تفسیری است که در آن هم به الفاظ و عبارات توجه می‌شود و هم لایه‌های عمیق معنایی و منظور نظر نویسنده متن لحاظ می‌گردد.

بحث

واژه «مداهنه» که اکنون به معنی تملق و چاپلوسی است ولی در گذشته به معنی پاک کردن و جلا دادن بوده است.

واژه «رعنا» که اکنون به معنی زیبا است ولی در گذشته مشتق از رعونت به معنی نادانی، حماقت و کبر.

واژه «مزخرف» که در قدیم به معنی طلا باف شده، زیبا و خوش اندام بوده و اکنون معانی بیخود، نامنظم، نامرتب، فریب کار و بی قابلیت را در خود دارد.

سوگند (قدیم : گوگرد جدید : قسم) - شوخ (قدیم : چرک جدید : بذلہ گو)

کثیف (قدیم : غلیظ جدید : آلودہ) - دستور (قدیم : وزیر جدید : فرمان)

تماشا (قدیم : گردش و قدم زدن با کسی جدید : مشاهده کردن) ...

پ) واژگانی که هم معنای قدیم خود را حفظ کرده‌اند و هم معنای جدید گرفته‌اند. مانند: «سپر» که در قدیم به سپر دفاعی گفته می‌شد و هم اکنون به سپر ماشین نیز گفته می‌شود و یا «یخچال» که به یخ‌های طبیعی روی کوه‌ها گفته می‌شده است و هم اکنون به یخچال خانگی نیز گفته می‌شود و همینطور «زین» که در گذشته زین اسب بوده و اکنون به زین دوچرخه نیز گفته می‌شود.

یا کلمات دیگر مانند دروازه (قدیم : در ورودی شهر جدید : قسمتی از زمین فوتبال)

رکاب (قدیم : رکاب اسب جدید : رکاب دوچرخه ، موتور سیکلت و خودرو)...

برای توضیح دادن و مشخص کردن معنی و مفهوم مفردات و ترکیبات هر متن، باید به تمام موارد کاربرد آن‌ها با توجه به تحولات زبانی همان دوره توجه شود و موارد کاربرد مشابه آن در دیگر متون هم‌عصر یا متون پیشین بررسی نمود:

ساقی به نور باده برافروز جام ما مطرب بگو که کار جهان شد به کام ما

(خطیب، رهبر، ۱۳۷۷: ۱۷)

آگاهی از اینکه واژه «گفتن» در آن زمان در معنی آواز خواندن به کار می‌رفته است، در فهم معنی این بیت اهمیت دارد. البته هم‌نشینی این واژه با واژه «مطرب» نیز می‌تواند نشانه‌ای بر فهم این معنی باشد. فردوسی نیز از فرد آوازخوان با لفظ گوینده یاد کرده است و این بیت شاهنامه را می‌توان شاهد معنای این واژه دانست:

که در پرده بُد زال را برده‌ای

(خالق، مطلق، ج ۵، ۱۳۶۶: ۴۴۱)

در بررسی تحولات زبانی برای ذکر معنی واژه‌های مغلق و دشواری که در دوره‌های خاص یا محدوده جغرافیایی خاصی کاربرد داشته است، علاوه بر رجوع به متون هم‌عصر و هم‌حوزه،

استفاده از لغت‌نامه و فرهنگ‌های لغت نیز می‌تواند راهگشا باشد. برای مثال در دوره سبک خراسانی واژه «میتین» در ابیات زیر در معنی کلنگ به کار رفته است:

ببردند میتین و مردان کار وزان کوه ببرید صد جویبار

(همان)

گر گوهر سخت همی باید از دین چراغ کن، ز خرد میتین

(تقی زاده، ۱۳۸۹)

همانطور که در ابتدا ذکر شد تحولات زبانی در دوره اخیر به سبب تاثیر پذیری از زبان های غربی نمود بیشتری داشته است. لذا در شرح متون ادبی معاصر توجه به تحولات معنایی در واژگان و اصطلاحات حائز اهمیت است. به عنوان نمونه نگاهی می‌اندازیم به تحولات معنایی فعل «افتادن» در آثار صادق هدایت و سایر نویسندگان معاصر:

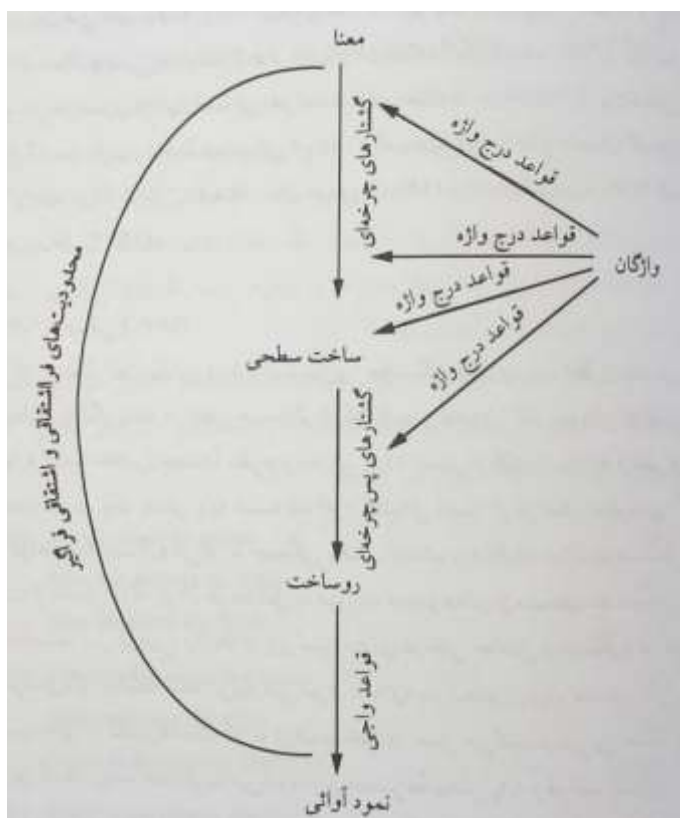
- روی لب های او چال می‌افتاد (هدایت، ۱۳۱۱: ۵۱) در معنی پدیدار شدن، پدید آمدن، پیدا شدن.
- از این جهت، زمین بایر و بی‌کار افتاده بود (همان ۷۶) در معنی رها شدن، بدون استفاده ماندن.
- جلو جا نبود افتادیم ردیف آخر در معنی قرار گرفتن.
- مردم همه ریشه شده به دنبال آنها افتاده بودند. در معنی رفتن.
- بیماری سختی بین حیوانات ده افتاده است. در معنی رایج شدن.
- روی صندلی راحتی افتاد. در معنی نشستن.
- بعد از دو روز بالاخره تبش افتاد. در معنی قطع شدن.
- این ترم چند واحد افتاده‌ای؟ در معنی رد شدن
- بدون اراده در رختخواب افتاده‌ام. در معنی بستری شدن، خوابیدن.
- در این بین از کنار درخت‌ها گذشت و در جاده دیگر افتاد. در معنی قرار گرفتن، وارد شدن.
- عروسی به خاطر بیماری پدر داماد به هفته آینده افتاد. در معنی موکول شدن.
- چند سطر از متن جا افتاده است. در معنی حذف شدن.
- از ترس لرزه بر اندامش افتاد. در معنی عارض شدن.

نظریه‌های معناشناسی

امروزه در یک شرح خوب استفاده از نظریه‌ها و داده‌های دانش نوپای زبان‌شناسی می‌تواند مفید باشد. یکی از مباحث زبان‌شناسی نظری که می‌تواند در شرح متون ادبی کاربرد داشته باشد بحث نظریه‌های معناشناسی است.

نظریه‌های معناشناسی مدرن با چاپ کتاب ساخت‌های نحوی چامسکی در ۱۹۵۷ پدیدار گشت. پس از وی جرالد کتز و جری فودور نظریه معنایی را توسعه دادند. به اعتقاد آنها معناشناسی توصیف همزمانی یک معنا بدون دستور است (دبیر مقدم، ۱۳۸۳: ۱۲۳) بر مبنای این نظریه کسی که انگلیسی نمی‌داند اما مجهز به دستور کاملی از آن زبان است، قادر نخواهد بود تشخیص دهد که جمله *the paint is silent* با جمله *the paint is wet* هم معنا هست یا هم معنا نیست. کتز و فودور بعدها با وارد کردن مقوله بافت به نظریه خود، آن را توسعه دادند.

در معنا شناسی زایشی بر خلاف نظریه معیار بین معنا و صورت جمله یک رابطه مستقیم برقرار است. بر اساس نظرات لیکاف و هم نظران وی مانند جان رابرت راس معنا نقش خوانشی ندارد، بلکه خود بخش زایای زبان است. (همان، ۲۳۹) وی با استفاده از رابطه هم معنایی معتقد است که جمله *John deactivated the bomb* با جمله *John caused the bomb to become inactive* هم معنا هستند. انگاره کلی این نظریه بر دو مجموعه اصلی استوار است: ۱ - صورت منطقی و ۲ - بدهیات معنایی. (همان، ۲۹۵)



۱ - انگاره معنانشناسی زایشی

سبک شناسی

بنا به عقیده رواقی در شرح متون ادبی باید جداگانه به حوزه‌ها و دوره‌های کاربردی زبان توجه کرد و نباید تمامی متون فارسی را با یک چشم نگریست. (رواقی، ۱۳۷۸: ۲۲۲)

در بررسی و شرح متون ادبی یکی از فاکتورهایی را که نباید نادیده گرفت شناخت و آشنایی با سبک شناسی است. از منظر تحولات تاریخی ادبیات فارسی در حوزه نظم و نثر، شاهد سبک-های خراسانی، سبک عراقی، دوره بازگشت و سبک معاصر بوده است و طبیعی است که کاربرد زبان در دوره سبک خراسانی متفاوت از دوره عراقی بوده است. یا سبک نثری که در قرن هفتم و هشتم نوشته شده است با نثر امروز کاملاً متفاوت است.

بر این اساس شناخت سبک دوره در رفع ابهامات متون ادبی نقش اساسی دارد. دانستن اینکه فلان واژه در فلان دوره در چه معنایی به کار رفته است یا معنای کنایی فلان عبارت در فلان دوره چه بوده است، یکی از راه‌های شرح و تصحیح متون ادبی می‌باشد.

سبک خراسانی

سبک خراسانی که از ابتدای تکوین رسمی ادبیات فارسی تا قرن پنجم ادامه داشته است دارای ویژگی‌های خاصی است که این ویژگی‌ها در کتب سبک شناسی به تفصیل شرح داده شده است. اما اشعار سبک خراسانی که بیشتر در قالب قصیده و قطعه است، از جنبه فکری و محتوایی «غالباً با بیرون پدیده‌ها و سطح اشیاء و امور سروکار دارند و وارد عوالم درونی و باطنی نمی شوند. به عبارت دیگر دید آنان آفاقی و عینی (objective) است تا انفسی و ذهنی (subjective)». (شمیسا، ۱۳۷۴: ۷۰)

ارغوان، لعل بدخشی دارد اندر مرسله نسترن لؤلؤی لالا دارد اندر گوشوار
 (دبیرسیاقی، ۱۳۶۳: ۳۳۷)

مردمان بخرد اندر هر زمان راز دانش را به هرگونه زبان
 گرد کردند و گرامی داشتند تا به سنگ اندر همی بنگاشتند
 (حاکمی، ۱۳۷۴: ۴۵)

زمانه پندی آزادوار داد مرا زمان را چو نکو بنگری همه پند است
 (حاکمی، ۱۳۷۴: ۲۸)

پیام ابیات فوق در واقع همان است که در خود شعر است. در ادبیات این سبک کمتر از معانی استعاری و کنایی برای واژگان (به نسبت ادبیات دوره‌های بعد) استفاده شده است. به بیان ساده-تر در ابیات فوق اغراض ثانویه پیچیده که اشاره به موضوعی فرامتنی داشته باشد وجود ندارد. شعر این دوره شعری ساده و روشن است. واژه‌های ارغوان، نسترن لؤلؤ، دانش و ... در معنی واقعی خود به کار رفته‌اند.

نثر نیز در سبک خراسانی به همین گونه است. به طور کلی نثر برآمده از سبک خراسانی یک نثر ساده و مرسل است. به طور کلی سبک خراسانی سبکی رالیستی است. ذبیح الله صفا در کتاب تاریخ ادبیات ویژگی‌های نثر سبک خراسانی را اینگونه برمی‌شمارد:

«نثر این عهد روان و خالی از هر گونه تکلف و تصنع است. تمام خصائص نثر ساده ابتدایی که فقط برای بیان مقصود به کار می‌رود، در نثر این عهد دیده می‌شود. از آنجا که زبان پارسی در این دوره نسبت به دوره‌های بعد به مقدار کمی با لغات عربی آمیخته بود، در کتب پارسی این دوره لغات تازی اندک است. و حتی در کتب علمی هم کوشش شده است که تا حد امکان از آوردن کلمات و ترکیبات تازی خودداری شود.» (صفا، ۱۳۷۸: ۱۹۲)

ذکر پاره ای از اختصاصات سبکی این دوره از کتاب های کشف المحجوب و ترجمه رساله قشیریه که جزو منابع ادبی در حوزه تصوف و عرفان هستند، اگر چه کمی خارج از موضوع است اما خالی از لطف نیست:

«اندر» به جای «در»:

کشف المحجوب:

- و لطیف اشاره بوده است اندر معاملت 130 / 3
 - از آنکه اندر ذکر وی نجات است و در ذکر غیر وی هلاک 133 / 10
 - گفت «اینک در صومه ی من است» به صومه اندر آمدند 136 / 6
 - دیگر باره و سدیگر باره اندر آمدند و نیافتندش 136 / 9
- کاربرد افعال استمراری به صورت های گوناگون:

کشف المحجوب:

- که اگر اندر وی خیری بودی با اختیار صحبت کردی 131 / 11
 - یا مالک، ترا چه بوده است که توبه من نکنی 137 / 10
 - وی را به مسجد یافتم اندر نماز استاده و همی گریست 150 / 17
 - و هم از وی می روایت کند - رحمه الله علیه - گه گفت 130 / 15
- ترجمه رساله قشیریه:

گفت چندین ساله نماز قضا می کردم. ۱۲ / ۱۴۹

اگر از نفس فانی بودمی آنچه حق شرع بودی بر من گران نیامدی. ۴ / ۱۵۰

آوردن «ب» تاکید بر سر افعال:

کشف المحجوب:

- و مر صحبت ایشان را به جان و دل بخریدندی 132 / 1
 - پس حبیب دوش نماز بکردی 136 / 2
 - زمانی ببودم تا از نماز فارغ شد 139 / 3
 - زمانی ببودم تا بیدار شد 140 / 15
- ترجمه رساله قشیریه:

پس بنگریستم دیگر بار در باطن خویش. ۷ / ۱۴۷

الاً که بنبخشودند بروی ۹ / ۱۵۰

مفهومی است که در سبک خراسانی می بینیم. همچنین زبان ادبی در این دوره از جنبه رآلیستی خارج و وجهه انتزائی به خود می گیرد.

سیک ہندی

چند صد سال پس از سبک عراقی، زبان بنا به فطرت ذاتی خود که مدام در حال تحول است؛ ویژگی‌های دیگری به خود می‌گیرد که به سبک هندی معروف می‌گردد:

«در قرون یازده و دوازده سبک دیگری پدید می‌آید که به آن سبک هندی می‌گویند. در سبک هندی تکیه بر تک بیت‌هاست که با نخی از قافیه و ردیف ظاهراً به هم مربوط شده اند. بین دو مصراع موازنه معنوی است و معقولی به محسوسی تشبیه شده است. زبان این دوره کلاً با زبان ادبی قدیم متفاوت است و در آن عناصر متعددی از زبان مردم عصر راه یافته است.» (شمس، ۱۳۷۴).

از جمله تحولات بارز دیگر در این سبک کاهش واژگان عربی و ورود کلمات ترکی است. نیز با گسترش شعر در میان عامه مردم واژگان عامیانه در شعر این دوره راه پیدا کرد. کوشش شاعر سبک هندی مضمون یابی و ارائه خیال خاص و برجسته است یعنی یافتن فکری جزئی اما بیان آن به شکلی شگفت انگیز.

هر که آهی می‌کشد در ناله می‌آید دلم چنگ کاغذباد را غیر از هوا مضراب نیست
(اصفهان، ۱۵۸)

بسته ایم اکسیر از الفت جناغی با همه
کی فراموش از دلی خواهیم شد یادیم ما
(همان، ۱۳۴)

در ابیات فوق واژه‌های «کاغذباد» به معنی بادبادک و «جناغی» به معنی جناغ بستن از واژه‌های عامیانه‌ایست که در شعر دوره سبک هندی وارد شده است.

سبک بازگشت

در اینکه ادبیات از تغییر و تحولات سیاسی تاثیر می‌پذیرد شکی نیست. در عصری که به دوره بازگشت معروف شده است حملات افغان‌ها به ایران و به قدرت رسیدن نادرشاه و بحران‌های اجتماعی آن زمان در اندیشه و افکار شاعران و ادیبان تاثیر معناداری داشته است. به طوری که شاعران این دوره تمایل به بازگشت به اصل خویش داشتند. آنها این تمایل خود را در تالیف

آثارشان به سبک خراسانی نشان داده‌اند. اما در کل دوره بازگشت یک تقلید ناقص از سبک‌های خراسانی و عراقی بوده است.

شعر دوره بازگشت در غزل ویژگی‌های سبک عراقی و در قصیده مختصات سبک خراسانی دارد. با این حال در این سبک ویژگی‌هایی وجود دارد که شارح باید از آنها مطلع باشد. به عنوان مثال یکی از ویژگی‌های این سبک حذف فعل بدون قرینه است:

«بعدالعنوان... بعد از مقدمه شکست اشرف افغان، عالیجاه... علیم‌راد خان شاملو ایشک آقاسی باشی دیوان اعلی را بایلچی گری هندوستان مأمور(*) و اعلام شد که...» (بهار، ۱۳۶۹ ج ۳: ۳۱۲)

سبک نو

در صد سال اخیر با توسعه ارتباطات و پیشرفت‌های تکنولوژی و خصوصاً توسعه صنعت چاپ تعاملی ادبی بین ادبیات کلاسیک ایران و ادبیات اروپاییان صورت گرفته است. مطالعه ادبیات غربی و به ویژه موضوع ترجمه موجب تحولاتی در متون ادبی گردیده است. مضامین و موضوعات در ادبیات معاصر تغییر نموده و منجر به یک سبک خاص که از آن به سبک نو تعبیر می‌شود، گردیده است.

از نظر صوری تنگناهای نظام عروضی در شعر کلاسیک و از نظر محتوا ورود مضامین و موضوعات جدید به عرصه ادبیات باعث به وجود آمدن سبک نو گردید:

روشنی، من، گل، آب

ابری نیست

بادی نیست.

می نشینم لب حوض

گردش ماهی‌ها، روشنی، من، گل، آب

پاکی خوشه زیست.

مادرم ریحان می‌چیند

نان و ریحان و پنیر، آسمانی بی ابر، اطلسی‌هایی تر

رستگاری نزدیک: لای گل‌های حیاط.

نور در کاسه مس، چه نوازش‌ها می‌ریزد!

نردبان از سر دیوار بلند، صبح را روی زمین می‌آرد.

پشت لبخندی پنهان هر چیز.

روزی دارد دیوار زمان که از آن چهره من پیداست

چیزهایی هست، که نمی دانم
می دانم سبزه ای را بکنم خواهم مرد
می روم بالا تا اوج، من پر از بال و پر
راه می بینم در ظلمت، من پر از فانوسم
من پر از نورم و شن
و پر از دار و درخت
پر از راه، از پل، از رود، از موج
پر از سایه برگی در آب:
چه درونم تنهاست.
(سهراب سپهری)

هدف از تشریح خلاصه وار سبک های دوره که در سطور فوق گذشت جلب توجه علاقمندان به بررسی و شرح متون ادبی است

نتیجه

در مقالات و پژوهش های دیگر که در حوزه شرح متون به چاپ رسیده است تکیه بر اصول و کلیات بوده است. وجه تمایز این پژوهش با آن مقالات به اصطلاح فرنگیان در کریتیکال بودن آن و شرح یک فاکتور اما با جزئیات است.

لذا بنابر آنچه گذشت در شرح متون به ویژه متون کهن ادبی احاطه کامل بر اختصاصات و ویژگی های زبان و تحولاتی که در طول زمان بر آن واقع می شود، برای پژوهندگان متون ادبی الزامی است. شخصی که قرار است متنی را تصحیح تا تشریح کند لازم است با تحولات زبان فارسی در درازنای تاریخ آشنا باشد. زیرا معانی واژگان و جملات و عبارات زبان فارسی تحولات عمده ای به خود دیده است و چه بسا یک واژه در طول تاریخ چندین بار دچار تحول معنایی شده باشد. نادیده گرفتن و لحاظ نکردن تطورات زبانی در ادوار تاریخی منجر به شرح نادرست خواهد شد. در نهایت با مطالعه و احاطه بر موارد فوق می توان به یک شرح موفق در آثار ادبی دست یافت.

پیشنهاد می شود پژوهشگران در مقالات و پژوهش های خود به جزئیاتی که جنبه آموزشی دارد نیز بپردازند به عنوان مثال به نقش و اهمیت سبک شخصی و یا نظریه های معناشناسی در زبان-شناسی که بی ربط با مسئله شرح نویسی نیست.

کتابنامه

- اکسیر اصفهانی، میرزا عظیم‌ا. (۱۱۵۰). دیوان. نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی. شماره ۹۰۲۳. هند: قریه کالبی.
- اگرادی، ویلیام. دابروولسکی، مایکل. آرنف، مارک. (۱۳۸۰). درآمدی بر زبان شناسی معاصر. ترجمه دکتر علی درزی. جلد اول. تهران: انتشارات سمت.
- بهار، محمد تقی. (۱۳۶۹). سبک شناسی. جلد ۳. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- تقی زاده، سید حسن. (۱۳۸۹). دیوان ناصر خسرو قبادیانی. تهران: آگاه.
- حاکمی، اسماعیل. (۱۳۷۴). برگزیده اشعار رودکی و منوچهری. تهران: اساطیر.
- خالقی مطلق، جلال (مصحح). (۱۳۶۶). شاهنامه. نیویورک: بنیاد میراث ایران.
- خطیب رهبر، خلیل. (مصحح). (۱۳۸۳). دیوان غزلیات خواجه حافظ شیرازی. چاپ سی و هفتم. تهران: چاپ مروی.
- دبیر مقدم، محمد. (۱۳۸۳). زبان شناسی نظری. تهران: انتشارات سمت.
- دبیرسیاقی، محمد. (مصحح). (۱۳۳۸). دیوان استاد منوچهری دامغانی. تهران: چاپ سپهر.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت نامه. جلد اول. تهران: انتشارات روزنه
- سعادت‌ی جلی، افسانه و همکاران. (۱۳۹۷). نماد شناسی خورشید در مثنوی. پژوهشنامه نقد ادبی و بلاغت. سال ۷، شماره ۲. پاییز و زمستان ۱۳۹۷.
- شادمهر، ناهید. (۱۳۷۸). مثنوی معنوی براساس نسخه نیکلسون. تهران: نشر محمد.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۴). کلیات سبک شناسی. تهران: انتشارات فردوس.
- صفا، ذبیح الله. (۱۳۷۲). تاریخ ادبیات ایران. جلد دوم. تهران: انتشارات فردوس.
- صفا، ذبیح الله. (۱۳۷۸). تاریخ ادبیات ایران. جلد اول. تهران: انتشارات فردوس.
- قبول، احسان. رادمرد، عبدالله. (۱۳۹۸). اصول و مبانی شرح تطبیقی (با تکیه بر شرح مثنوی شریف). مجله شعر پژوهی (بوستان ادب). سال ۱۱، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۸، پیاپی ۴۰.
- کاسیرر، ارنست. (۱۳۸۷). زبان و اسطوره. تهران: انتشارات مروارید.
- مصاحب، غلامحسین. (۱۳۸۱). دائرة المعارف فارسی. جلد دوم بخش‌های ۱ و ۲. تهران: امیرکبیر.
- میرمجربیان، لیلا. (۱۴۰۱). نقد شروح لیلی و مجنون. فصل نامه علمی کاوش نامه، سال بیست و سوم، تابستان ۱۴۰۱، شماره ۵۳.
- هدایت، صادق. (۱۳۱۱). سه قطره خون. بی تا.

The role and importance of linguistic developments in the description of literary texts

Kayoumars Zarafshan

Doctoral student of Razi University of Kermanshah

Abstract

The description of literary texts and the subject of literary research in general requires comprehensive information and coverage of many aspects of language. The purpose of this research is to investigate the role and importance of linguistic developments in the description and analysis of literary texts. In this research, which was compiled in a library method, linguistic developments and their role in the description of literary texts have been discussed according to semantic theories. In the continuation of each section, examples from both historical and contemporary texts are mentioned as witnesses in order to clarify the importance of the above topics. Also, as far as possible and included in the scope of an article, opinions and views of professors have been used. The result of this research shows that the knowledge and understanding of linguistic changes and developments play an important and colorful role in the description of texts, especially ancient literary texts. So that without mastering this topic, it is not possible to achieve a successful description.

Keywords: linguistic varieties, linguistic evolution, literary texts, text research, description of literary texts.